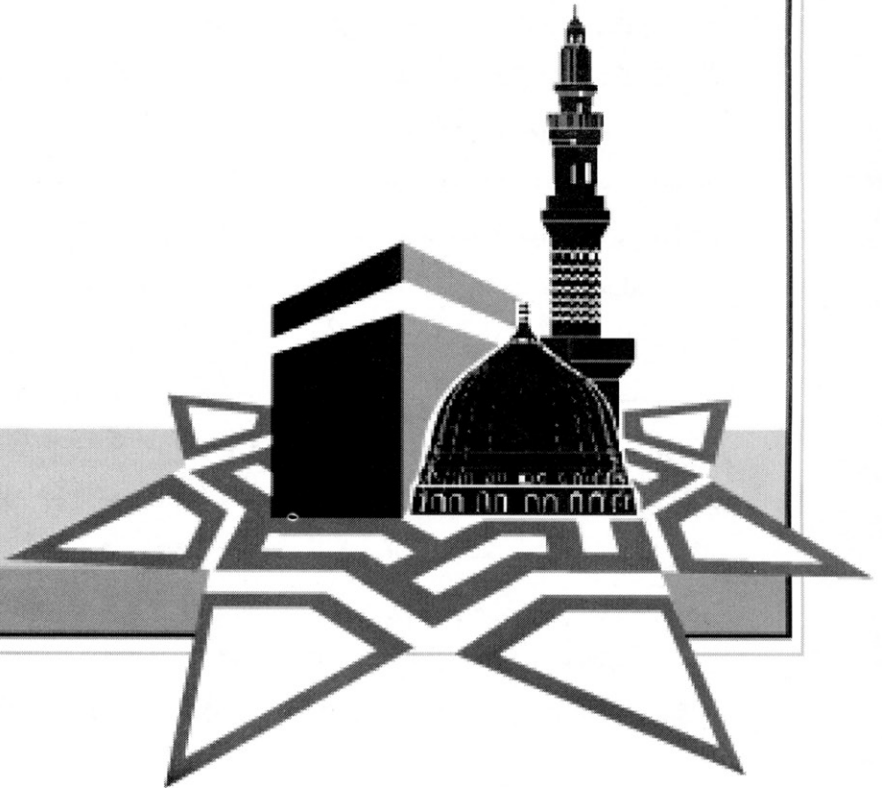
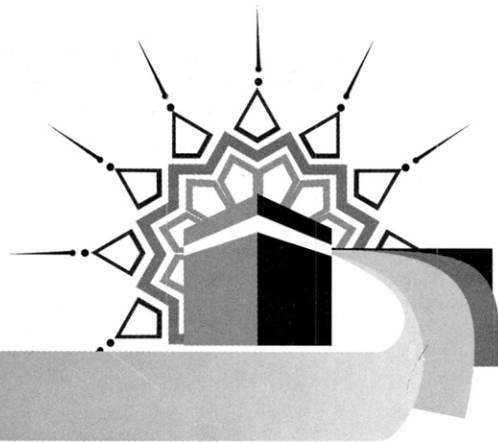


نقد و معرفی کتاب



گزارشی در باره کتاب «جنات ثمانیه»

محمد رضا انصاری قمی



دینی آن مقام یا مسجد و مقدار پاداش و ثوابی که خداوند برای زیارت کنندگان آن جایگاه قرار داده است می‌آورد.

نویسنده این کتاب سید محمد باقر حسینی، ملقب به فخرالواعظین خلخالی است. او ساکن شهرستان خلخال بوده و ظاهراً به امور دینی مردم آن سامان رسیدگی می‌کرده است. او از سالها پیش فکر تدوین این مجموعه را در سر می‌پرورانده، لیکن موانع و کمبود منابع در مسقط رأس او؛ یعنی شهر خلخال مانع تحقق آرزوی او می‌گردد، تا این که عاقبت در سال ۱۳۲۷ هـ. توفیق مجاورت مشهد مقدس به او دست می‌دهد و با استفاده از

در گنجینه دستنوشته‌های کتابخانه آستان قدس رضوی نسخه‌ای به شماره ۴۱۰۰ (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی: ج ۳، ص ۸۲، والذریعه: ۱۵۰/۵ شماره ۶۴۴) وجود دارد به نام «جنات ثمانیه = بهشتهای هشت گانه» که در آن، نویسنده آن به توصیف هشت بقعه از بقاع متبرکة اسلامی؛ یعنی مکه، مدینه، بیت المقدس، نجف، کربلا، کاظمین، سامراء و مشهد پرداخته است. او نخست درباره پیشینه تاریخی هر یک از این مزارات، که از یک یک آنها با نام حرم اول، حرم دوم... یاد می‌کند، به تفصیل سخن می‌راند و آنگاه روایاتی را در فضیلت و ارزش

و مشهد مقدس نموده و مدتی در آستانه مبارکه حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا - علیه الآف التحیه و الثناء - رحل اقامت انداخته ...»

مؤلف نوشتن این کتاب را در سال ۱۳۲۷ هـ. آغاز و در سال ۱۳۳۱ هـ. در ۴۰۳ ورق به پایان برده است. آگاهیهای ما درباره سال تولد، وفات، وضعیت تحصیلی، سفرهایش به کشورها، موقعیت علمی و اجتماعی و دیگر مسائل مربوط به زندگانی خصوصی او بسیار اندک و از حد نوشته‌های مؤلف در کتابش فراتر نمی‌رود. وی واعظی کم آوازه و در شهرستان کوچک خود به وعظ و ارشاد مشغول بوده است، اما انگیزه نگارش کتاب در او بیشتر به منظور ثبت برخی از مشاهدات خود از این بقاع بوده است. گو این که او هرگز در کتابش یادی از سفرهای خود نمی‌کند لیکن بررسی نوشته‌هایش در حرم اول (مکه) و حرم دوم (مدینه) نمایانگر سفر او به این دو شهر است و اطلاعات خود را غالباً از روی مشاهدات مستقیم و نه مسموعات (البته در برخی موارد به کتابهای تاریخی و گفته‌های دیگران استناد می‌کند) در اختیار خواننده قرار می‌دهد. تنها اشاره‌ای که به اعتقادات نویسنده می‌توان کرد آن است که او هنگام

کتابهای کتابخانه آستان قدس رضوی، مجموعه خود را تکمیل و نسخه دستوشته‌اش را به گنجینه خطی آن کتابخانه اهدا می‌کند. خود مؤلف در این باره، در صفحه ۲۴۶، در بخش «حرم چهارم از کتاب جنات ثمانیه» این چنین می‌گوید:

«و بعد چنین گوید بنده کمترین، تراب اقدام واعظین، الراجی الی فضل ربّه العفو الغافر، محمد باقر بن سید مرتضی الحسینی الخلی خالی - عفی الله عن جرائمهما - که قریب به پنج - شش سال بود که در خواطر خلجان می‌کرد و مدام طالب و راغب این مرام بودم که تألیفی در شرح قبور و تذکره مزارات ترتیب داده شود و در عرض این مدت مختصری به عنوان فهرست ترتیب داده آنچه به مرور ایام از وقایع و احوال به دست می‌آمد به طور اشاره و اجمال ثبت می‌شد و پیوسته منتظر فرصت و مترصد قدرت بودم که تفصیل را توصیف دهم ولی در محال خلخال؛ وطن این شکسته بال که مالا مال محنت و ملال بود، کثرت مشاغل و موانع و قلت بضاعت و کتبی که در این صناعت از هر قبیل ضرور و لازم است مانع بود تا در این ایام خیر انجام که تاریخ هجرت در سال هزار و سیصد و بیست و هفت سفر ارض اقدس

می‌پردازد. قسمت‌های بزرگی از هر بخش کتاب را مستحبات و ادعیه و زیارتنامه‌های مربوط فراگرفته است و به ویژه دربارهٔ مکه به تفصیل به مناسک حج و واجبات و مستحبات آن برطبق فتوای فقهای امامیه پرداخته است و نسبت به بقاع متبرکهٔ امامان معصوم - علیهم‌السلام - نیز به تفصیل ادعیه و نمازهای مستحبی و روزهای زیارتی و فضائل و مناقب هر یک از امامان را برشمرده است.

سعی و تلاش ما در این بررسی بر آن است که مشاهدات مؤلف دربارهٔ وضعیت دو شهر مکه و مدینه و جایگاه‌های دینی و تاریخی، نظیر مساجد، مقابر، اماکن متبرکه، وضعیت مسجدالحرام و ملحقات و توابع آن، و مسجدالنبی - ص - در مدینه را از لابلای نوشته‌های او بدر آورده و به خوانندگان ارائه نماییم.

حرم اول:

مکه

۱) حجرالأسود، به رکن عراقی منصوب است. کسی که میانهٔ بالاست به سهولت او [آن] را می‌بوسد، برای این که از زمین به اندازهٔ ۶ وجب بلند است و در این اوقات، اطراف حجرالأسود را به طلا محکم

برشمردن مدفونین در قبرستان بقیع، از شیخ احمد احسائی (متوفای ۱۲۴۳ هـ.) یاد می‌کند آنگاه برخلاف شیوهٔ خود در معرفی اجمالی مدفونین، به تفصیل دربارهٔ احسائی پرداخته و با تمجید و تعریف فراوان از او، فقیهانی اصولی که او را به افراط و غلو متهم کرده‌اند نکوهش نموده و آنان را ظاهرینانی توصیف می‌کند که نتوانسته‌اند به کنه حقایق گفتارهای او پی‌ببرند؛ از این رو باتوجه به این گفتار بعید به نظر نمی‌رسد که وی شیخی مسلک یا حداقل متمایل یا هوادار برخی از عقاید آنان بوده؛ بویژه آن که در آن دوران در بخشهایی از منطقه آذربایجان شیخیه از موقعیتی برخوردار بوده و پیروانی داشته است.

در این مقاله تنها دو بخش از کتاب «جنات ثمانیه»؛ یعنی حرم اول (= مکه) و حرم دوم (= مدینه) مورد بررسی قرار گرفته است.

روش نویسنده در بخشهای کتاب، بدین گونه است که او نخست به وقایع و مسائل پیشینهٔ تاریخی و سپس موقعیت جغرافیایی شهرهای مقدس پرداخته و آنگاه روایات اسلامی را در فضیلت آن شهر یا بقعه برشمرده و سپس به مشاهدات خود از حرم یا مسجد (بجز بیت‌المقدس)

و بر مذاهب مختلفه عمل می‌کنند. (ص ۶)

۵) طوافگاه؛ صحن مسجدالحرام
طوافگاه حجاج بود، چون خانه کعبه در میان
الصحن است و آن که در جامع‌های بلاد در
میان صحن عمارتی سازند جهت مناسبت
با مسجدالحرام و کعبه باشد. اکنون طول
طوافگاه سیصد و هفتاد گز است در سیصد
و پانزده گز. در بیرون مسجد یکهزار و پانصد
و هشتاد گز. در حوالی آن خانقاه و مدارس
و ابواب البر بسیار است؛ از جمله زاهد
خمارتاش عمادی قزوینی جهت قزاونه^۲
خانقاهی ساخت و سی هزار دینار به حکام
مکه داده تا اجازت دادند که پنجره به
مسجدالحرام گشود. و خانه به دار محمد بن
یوسف منسوب بوده و مولد رسول الله آنجا
اتفاق افتاده، به طرف مسجدالحرام است
و خیزران و والده هارون الرشید آن را با
مسجد ساخت؛ یعنی ولادت‌خانه حضرت
محمد - ص - در کوچه [ای] که مشهور به
شعب ابوطالب بود؛ همان خانه برحسب
میراث به حضرت رسول منتقل شد (!)
حضرت آن خانه را داخل سرای خود کردند
و بیضا می‌نامیدند، بعدها هارون الرشید آن
خانه را خریده داخل مسجد نمود.
(صص ۷-۸)

۶) جبل ابوقبیس؛ کوهی است

کرده‌اند^۱ و نظر کردن [به] آن موجب سرور
و بهجت است. (صص ۴-۵)

۲) بابهای مسجد سی و نه است. در
سمت باب‌الزیارة که غربی خانه کعبه است،
هفت در دارد و در سمت باب ابراهیم که
جنوب خانه کعبه است چهار در دارد، و در
سمت باب‌الصفا که شرقی خانه کعبه است
هفده در است، و در سمت باب‌السلام که
شمالی خانه کعبه است یازده در است.
(ص ۶)

۳) ستونهای مسجد؛ مجموع
میل‌های سنگی که طاقها را بر بالای آن بنا
کرده‌اند پانصد عدد است و از جمله آن
پانصد میل، یکصد و بیست و پنج آن سنگ
کوچک، مثل آجر تراش کرده بر بالای آن
کار کرده‌اند، و سیصد و هفتاد و پنج آن
ستون یکپارچه است که از سنگ سفید
است و بلندی هر یک تقریباً سه ذرع و نیم
است. (ص ۶)

۴) چاه زمزم برطرف غربی کعبه
است و چهل گز عمق دارد و دور سرش
یازده گز است و بر سرش قبه ساخته‌اند، و دو
درخت مربع از چوب ساج گذرانیده و بر هر
یک جهت آب می‌توان کشید و آب آن شور
است و اکنون در مکه آب روان است. مردم
آنجا اکثر سیاه چهره‌اند و به تجارت مشغول

ختمی مآب - صلی الله علیه و آله - . بودن آمنه والدۀ حضرت در آنجا بعید است و مستندی از برای آن دیده نشده و علامۀ مجلسی - ره - فرموده که قبر شریف آمنه و عبدالله - رضی الله عنهما - در این زمان معلوم نیست. (ص ۵۳) مؤلف گوید:

از کتب اخبار و مورخان، چنان مستفاد می‌شود که در محل قبر آمنه خاتون اختلاف است؛ بعضی گویند در مکۀ معظمه است و جمعی نوشته‌اند که در ابواء است (مکانی است مابین مکۀ و مدینه. از ابواء تا جحفه، از طرف مدینه منوره، بیست و سه میل است). برخی نوشته‌اند که سید المرسلین - ص - در آن سال که به غزوة بنی لحيان توجه فرمود به منزل عسفان رسید، قبر مادر خود آمنه را بشناخت و زیارت او کرد و بگریست، چنانچه [چنانکه] اصحاب و ملازمان را به گریه درآورد.

و اما مدفن عبدالله - ع - والد ماجد رسول خدا را... اکثر محدثین و مورخین مرقوم داشته‌اند: آن حضرت در یثرب به جوار الهی شتافت و در دارالبالغه مدفون گردید.

۸) و دیگر، مخفی نماند در مقابر عبدالمطلب و ابوطالب، جماعتی از بزرگان

نزدیک مکۀ، تسمیه شده به اسم مردی از قبیلۀ مذحج که اسمش ابوقبیس بود، به جهت این که اول کسی که در آن کوه بنا گذاشته همین مرد است. به سند معتبر منقول است که چون آدم و حوّا - علیهما السلام - وفات یافتند هر دو در غار ابو قبیس مدفون شدند و به این معنا اخبار متعدّدۀ معتبره وارد شده که مدفن حوّا نزد آدم است، ولی آنچه در السنه معروف است که مدفن حوّا در قصبۀ جدّه می‌باشد، ابدأً در این خصوص خبر به نظر نرسیده، این از باب: «رُبّ مشهورٍ لا أصلَ له» است و نوح - علیه السلام - در طوفان، استخوان آدم را از کوه ابوقبیس بیرون آورده در نجف الأشرف دفن نمود^۳ و این غار را که آدم و حوّا در آن مدفونند «غار الکنز» می‌گویند. (ص ۵۲)

۷) از جمله تکالیف حاج در مکۀ معظمه، مشرف شدن به زیارت حضرت ابوطالب و عبدالمطلب و عبدمناف و حضرت خدیجه - رضوان الله علیهم - است. بدانکه قبور این بزرگواران در سمت راه منا در نزدیکی ابطح است و مابین قبر خدیجه و آنها فی الجمله مسافتی است و در مقابل جناب خدیجه به فاصله کمی بقعۀ دیگری است با ضریح و بنای رفیع و اهل مکۀ آن را نسبت می‌دهند به جناب آمنه، والدۀ حضرت

الشیخ زین‌الدین بن الشیخ محمد، السبط الشهید الثانی، عالم و فاضل و متبحر و محقق و مدقق بوده در علم معقول و منقول، در عهد خود منحصر بود. ولادتش سنهٔ هزار و نه، وفاتش بیست و نهم ذی‌الحجه سنهٔ هزار و شصت و چهار در قبرستان مُعلّی و در جوار خدیجهٔ کبریٰ با پدرش محمد مدفون است.

میرزا محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی، فاضل و عالم و محقق و مدقق و عابد و عارف و محدث و مفسر بود. تألیفاتش بسیار است. تاریخ وفاتش سیزدهم ذی‌قعدة سنهٔ یکهزار و بیست و هشت بود.

الشیخ اسماعیل بن محمد مکی و الشیخ علی الصغیر نوادهٔ شهید ثانی در جوار حضرت خدیجهٔ کبریٰ مدفون است و آقا میرزا زین‌العابدین کاشانی در مقابر عبدالمطلب نزدیک قبر آقا میرزا محمد استرآبادی مدفون هستند. (ص ۶۱)

(۱۱) و ساداتی که شرفا و نقبا و متولّی حرمین شریفین بودند، بعضی در قبرستان حُجُون و جمعی در قبرستان جسیم مدفونند:

السید احمد بن علی بن محمد بن جعفر بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن

علمای شیعه و اکابر دین مدفونند. از فیض زیارت ایشان و فاتحه بر سر قبر آنها نباید محروم گشت؛ مانند سید اجل، محدث، فقیه امیر زین‌العابدین کاشانی که مجاورت مکه معظمه را اختیار فرمود و این سید را در آخر امر شهید کردند و مدفون شد در همان قبری که خود در حال حیات مهیّا فرموده بود به نزد قبر استاد خود؛ المولّی محمد امین استرآبادی و مانند قبر شیخ محمد سبط شهید ثانی و غیر هم. (صص ۵۳-۵۴)

۹) قبر ابولهب بر سر راه عمره واقع است، هر کس از آنجا بگذرد و سنگی چند بر سر قبرش انداخته لعن می‌کنند، حال به منزلهٔ کوهی از سنگ جمع شده است. (ص ۶۱)

۱۰) الشیخ محمد بن شیخ حسن بن الشیخ زین‌الدین شهید ثانی، فقیه، محدث، عابد، زاهد و صاحب کرامات عالیه بود. مدتی در کربلا اقامت نموده، به تدریس اشتغال داشت، پس به سوی مکه مسافرت کرد و در آنجا اقامت نمود و به تألیفات خود مشغول بود تا وفات یافت. ولادتش عصر روز دوشنبه دهم شهر شعبان سال نهصد و هشتاد و وفاتش سنهٔ یکهزار و سی است. عمر شریفش پنجاه سال و سه ماه بود -رحمة الله علیه -.

دیالمه بود، دورشهر را بارو کشید. شهری است کوچک، الحال سه هزار و هفتصد خانه در اوست، نفوس آنجا بنا به تحریر اساتید جغرافیا، پنجاههزار نفر است، اگر چه آن شهر قصبه مانند است و لکن شأن آن بلند است، برای این که در آن بلده مبارکه، روضه مطهره پیغمبر ما محمد المصطفی - ص - می باشد. هوایش بغایت گرم است. نخلستانش بسیار، آبش سازگار و حصارش از آجر بغایت استوار و خرماي بزدي و عَجْوَه در آنجا بهتر از بلاد دیگر بُود. و مردمش لاغر و اسمر و از متاع ملاحظت بهره‌ور و اکثر ایشان سوداگر و پيله‌ورند. عموماً شافعی مذهب و دیگر حنفی و شیعه امامیه در مدینه و در نواحی آن بسیارند و جمعی از ایشان سادات آل نسب و شرفای صاحب حساب‌اند. و از خواص آنجاست که غریب بدان شهر رود بوی خوش شنود. و نخلستان آنجا مشروب آب چاه و باران است. (صص ۱۰۰ - ۹۹)

۲) در اطراف آن مسجد، مدارس و خانقاه بسیار است و بنای خیر بی‌شمار؛ از جمله امیر چوپان در غربی آن، مدرسه و حمامی ساخت. پیش از آن حمامی در مدینه نبود. (ص ۱۰۱)

۳) حدّ مسجد رسول الله، الی

علی بن ابی‌طالب - علیه‌السلام - .
السید جعفر المکنی به ابو محمد، از اولاد حسن مثنی است. و پسران او السید عیسی و امیرحسن ابوالفتوح و امیر عبدالله تاج‌المعالی، امیر حمزة بن ادعاش از اولاد موسی الجون بود.

امیر محمد الملقب بتاج‌المعالی، ابو فلیت قاسم بن تاج‌المعالی، امیر قطب‌الدین عیسی، مکنز بن عیسی، منصور برادر آن، امیر قتاده بن السید ادیس، حسن بن قتاده، ابو راجح بن قتاده، ابو سعید حسن بن علی، میر نجم‌الدین محمد، مدتی حکمرانی کرد و بسیار معمر شد، به قرار سی پسر داشت. ابوالغیث بن ابونمی، سید خمیصه، سید ابوعراره، سید عزالدین بسیار سید متقی و عادل و حکمران و سائیس بود. سید بدرالدین عجلان عموماً در مقابر مزبور مدفونند. (ص ۶۶)

حمر الأول من کتاب جغرافی المشاهد بیدالفقییر سید باقر بن سید مرتضی الخلیالی سنة ۱۳۲۷ هـ .

حرم دوم: مدینه

جغرافیای مدینه منوره و شرح

مشاهد آن

امیر عضدالدوله که از سلاطین



دیگر نیز مدفون‌اند؛ یکی عباس عموی پیامبر - ص - که قبرش متصل به قبر ائمه است و در طرف غربی است. و دیگری قبری است که در طرف قبلی بقعه متصل به دیوار است و ضریح کوچکی دارد و آن را نسبت به حضرت فاطمه زهرا می‌دهند و جماعت بسیاری از عامه معتقدند که آن قبر فاطمه زهرا - سلام الله علیها - است و قبر فاطمه بنت اسد همان است که در زاویه قبرستان بقیع در طرف شمالی قبه عثمان معروف است. (ص ۱۱۵)

(۷) و ایضاً قبر جناب ابراهیم بن رسول الله - ص - واقع است در بقعه قریب به بقعه ائمه اربعه - علیهم السلام - و جناب عثمان بن مظعون - رضی الله عنه - قبرش در همان بقعه شریفه است. و أسعد بن زراره و ابن مسعود نیز در بقعه عثمان بن مظعون مدفونند. و صاحبان تاریخ مدینه ذکر نموده‌اند که علیا جناب رقیه و أم کلثوم دو دختر رسول خدا نیز در همین بقعه مدفونند. علمای سیر و مورّخین مدینه گفته‌اند که بیشتر اصحاب رسول خدا در بقیع مدفون گشته‌اند. و قاضی در مدارک ده هزار گفته و لکن غالب آنها مخفی است. قبرستان، هم عیناً و هم جهتاً، چه از زمان قدیم علامتی بر سر قبورشان نگذاشته‌اند.

استوانتین^۴ تا به آن دو ستونی که از طرف راست منبر الی راهی که متصل به سوق الیل است. (ص ۱۰۲)

(۴) مقام جبیرائیل، همان تحت میزاب^۵ است؛ وقتی که می‌خواهی از در بیرون بروی، همان دری که باب فاطمه می‌گویند. در حالی است که میزاب بالای سر باشد و باب فاطمه در عقب. (ص ۱۰۳)

(۵) دوم از تکالیف زوّار زیارت حضرت فاطمه - علیها السلام - است، و در محل دفن آن مخدّره اختلاف است. در تحیة الزائر گوید:

چون حضرت فاطمه وصیت نمود که او را در شب دفن کنند و کسانی که بر او ظلم کردند به نماز و جنازه‌اش حاضر نشوند، پس او را شب دفن کردند و به این سبب محل قبر شریف آن حضرت مختلف فیہ میان علمای خاصه و عامه گشت و ظاهر اکثر احادیث معتبره آن است که آن حضرت در خانه خود مدفون گردیده است که متصل به حجره طاهره حضرت رسول است و اکنون ضریحی نیز از برای آن حضرت ساخته‌اند.^۶ و تحقیق آن:

بدانکه مؤلف گوید:

در بقعه ائمه اربعه، که اصل آن از بناهای ناصر بن المستنصری است، دو نفر

و دیگر قبر جناب عقیل برادر امیرالمؤمنین - ع - در آنجاست که معروف است به قبة عقیل، با پسر برادرش عبدالله بن جعفر و بعضی گفته‌اند عقیل در خانه خود مدفون است. و در نزدیکی قبر عقیل بقعه‌ای است منسوب به زوجات پیغمبر. و غیر از خدیجه که در مکه است و غیر از میمونه که در سرف است (که موضعی است ما بین مکه و مدینه) عموماً در آنجاست. و قبر صفیه (عمه رسول خدا و دختر عبدالطلب باشد) در طرف چپ آن کسی است که از بقیع بیرون رود. و قبر جناب اسماعیل فرزند حضرت امام جعفر صادق در مشهد بزرگی است در طرف غربی قبة عباس، خارج از بقیع است و آن بقعه رکن سور مدینه است از جهت قبله و مشرق و درش از داخل مدینه مفتوح می‌شود، و بنای آن بقعه، پیش از سور مدینه شده. و قبر مقداد صحابی، در بقیع است نه در شهر و آن که فعلاً بین مردم غلط مشهور است آن که در شهر، و آن [است] قبر شیخ مقداد حلی است که وصیت فرموده که او را در راه زوآر عتبات دفن کرده‌اند.

بأی حال ما در اینجا دو نفر را به موجب تواریخ و اخبار مختلف می‌بینیم یکی عقیل است، نوشته‌اند: «أنه توفی بالشام فی

خلاقة معاویة»؛ یعنی عقیل در ایام خلافت معاویه در شام وفات نمود، اکنون او را در بقیع قبری است آشکار، و دیگر اختلاف است در قبر زینب کبری بنت امیرالمؤمنین - ع - بعضی نوشته‌اند که با شوهرش عبدالله بعد از اسیری به شام رفت و دوباره اسیر شد و در آنجا وفات نمود، اکنون مشهد زینب در شام مشهور است، لکن مرحوم واعظ طهرانی در کتاب روح و ریحان می‌گوید:

آن که در دمشق شام است، مشهد زینب یحی المتوَج بن الحسن الانور بن زید الأثلج بن الحسن سبط علی بن ابی طالب - ع - می‌باشد. در تواریخ و أنساب و غیره نوشته [شده] است که این خاتون وفات و مدفنش در قریة ضیعه [که] در حوالی دمشق است، واقع شد، همین زینب مشتبّه به زینب خاتون بنت علی - علیه السلام - شده است. [که] غلط و خلاف مشهور است، از برای آن که زینب کبری بعد از چهار ماه مراجعت از شام در مدینه وفات و در بقیع مدفون گشت. (ص ۱۱۶)

۸) علمای تاریخ مدینه گفته‌اند که عبدالله جحش که خواهرزاده حمزه است نیز در بقعه او مدفون است و قادر خلیفه ناصر لدین الله در سال پانصد و هفتاد قبه عالیّه بر

قبر حمزه است. (ص ۱۱۷)
 (۱۱) عقیل در ایام خلافت معاویه،
 بعد از آن که از شام مراجعت فرمود، در زمان
 امامت حضرت امام حسن در مدینه وفات
 یافت و قبرش نیز در بقیع است. (ص ۱۲۰)
 (۱۲) مسجد مائده قریب البقیع، و
 مسجد الاجابة الثانی و هو قریبه.
 المحاریب ثلاثه؛ محراب النبی،
 محراب عثمان و محراب سلیمان سلطان
 الروم.

الابواب خمسة؛ باب السلام ۷ باب
 الرحمان، باب النساء باب جبرائیل و باب
 مجیدی.

المنارة خمسة؛ منارة رئيسية، منارة
 سليمانية، منارة إشكلیة، منارة باب الرحمان
 و منارة باب السلام. (ص ۱۲۱)

(۱۳) چاه اریس، که انگشتر رسول
 الله - ص - از دست عثمان بن عفان بر آن
 چاه افتاد و هرچند جُستند نیافتند، در
 نخلستان قبا بر دو میلی مدینه، مایل قبله
 واقع است و در آنجا مجموع بیوت انصاریان
 بوده و آن قصبه مانند بود و در حوالی آن
 قراء معتبر بوده، اکنون اکثر آن دهات
 خرابند. (ص ۱۲۲)

(۱۴) مساجد و معابد در اطراف
 مدینه:

قبر آنها بنا کرد و گفته‌اند در سمت قبله
 چسبیده به کوه أحد مسجدی است که
 بنیانش منهدم شده پیغمبر - ص - در آنجا
 نماز خوانده. (ص ۱۱۷)

(۹) مشربة أم ابراهيم؛ یعنی غرفة
 مادر حضرت ابراهیم فرزند رسول خدا - ص -
 که رفتن به آنجا و عبادت و نماز در آن از
 مندوبات است. اما جناب آقا سید محمدباقر
 حجة الاسلام - قدس سره - در مناسک حج
 خود فرموده:

اما مشربة أم ابراهيم معروف نیست.
 حقیر با جمعی از حاج که همراه بودند بسیار
 سعی کردیم تا به میان نخلستان به دو
 مسجد خرابه رسیدیم گفتند که اینجا مشربه
 أم ابراهيم است و در هر دو نماز کردیم و
 مسجد فضیخ قریب به مسجد قبا است و او
 را مسجد ردالشمس نیز می‌گویند. (ص ۱۱۷)
 (۱۰) برو به عریض که در یک
 فرسخی مدینه است به جهت زیارت علی
 بن امام جعفر صادق - ع - .

مسجد حضرت فاطمه؛ مراد از
 مسجد فاطمه بیت الأحران آن خاتون است
 که در بقیع است.

و خانه امام جعفر صادق - ع - که در
 مسجد است دو رکعت نماز در آنجا بکن.
 و مسجد امیرالمؤمنین که محاذی

تسلیم نفرمود. مواضع دیگر از؛ هادی، حصره، سایره، سنان، سانه، رهاط، غراب، آکل، و حمیه قراء مدینه‌اند و قریه جنار مرضه اهل مدینه است بر سه مرحله شهر و مرحله جُحفه که میقات است، به ده فرسنگی از او بر سوی مکه است. و قریه ابواء که آمنه خاتون مادر پیغمبر - به روایتی در آنجا مدفون است - از مدینه چهل و چهار فرسنگ به سوی مکه. فضا، سُقیاء، زوراء، فی، برید و وادی قنات، عموماً اسامی امکانه است در مدینه.

(۱۷) آنجا [که] عثمان مدفون گشت به گورستان بنی اُمیّه معروف شد. (ص ۱۱۸)

(۱۸) مجدالملک رادستانی قمی بعد از آل بویه از درجه وزارت به استقلال سلطنت رسید. او در بقیع به روضه مطهره این چهار امام و الا مقام قبه و گنبد برافراشت. (ص ۱۱۴)

(۱۹) محل دفن جناب عبدالله بن عبدالمطلب. (ص ۱۴۷)

محل دفن آن جناب؛ بعضی از معتبرین علما می‌فرماید که قبر عبدالله بن عبدالمطلب در میان خلق معروف نبود و من در سنه هزارو یکصد و هشتاد و شش که به مدینه و به زیارت خاتم پیغمبران مشرف بودم به لطایف حیل قبر عبدالله را پیدا کردم

مسجد قبا، ... و مسجد احزاب و آن مسجد فتح است که دعا کرد در آن رسول خدا در روز خندق و آن واقع است بر قطعه [ای] از کوه سلح که به دو پله بر آن بالا می‌روند و در جانب قبله او دو مسجد است؛ یکی منسوب به علی - علیه‌السلام - [و به] مسجد امیرالمؤمنین مشهور است. و دیگری مسجد سلمان فارسی است که مقابل حمزه است.

و دیگر مسجد قبلتین و قبه الکشف و مسجد مباحله و مسجد فضیخ؛ آن مسجدی است که در سمت شرقی مسجد قبا واقع است و در حدیث آمده که در آن مسجد آفتاب از برای جناب امیر - علیه‌السلام - برگشت. (صص ۱۲۳ - ۱۲۲)

(۱۵) و دیگر معبد خانه علی - ع - و خانه ابوبکر و بیت بنی‌النجر و معبد خانه زین‌العابدین و معبدخانه حضرت صادق - ع -. و بعضی از قراء مدینه حصن بلیغ بر امیرالمؤمنین علی - ع - وقف بوده و بعد از او، اولادش در تصرف داشتند و از آن جمله دهی بود مشهور به فدک. (ص ۱۲۳)

(۱۶) قریه سیره، بر سه فرسنگی مدینه با قلعه قند از ولایت طی است [که] رسول الله به عایشه داده بود، امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - از تصرف عایشه مانع شده

گردید و صاحب گنبد و قبّه می‌باشد.
(ص ۱۶۱)

۲۵) اسماعیل بن جعفر - علیهما السلام - ... در عُریض وفات یافت، سریرش را در دوش به مدینه آورده در بقیع دفن کردند، صاحب قبّه است. (ص ۱۶۲)

۲۶) محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن امیرالمؤمنین، ملقب به مهدی، مشهور به صاحب نفس زکیّه... قبرش نزدیکی کوه اُحد واقع است. (ص ۱۶۳)

۲۷) مالک اشتر را در راه مصر مسموم کردند بعد جسدش را به مدینه نقل نمودند در میان قبرستان بقیع در مقبره یهود دفن کردند، اکنون داخل بقیع است!!! (ص ۱۶۸)

۲۸) دیگر از قبوری که در بقیع صاحب گنبد است:

مالک بن انس، نافع بن ابی نعیم.
و دیگر ناقة رسول الله به امر حضرت پیغمبر در بقیع مدفون گشت، اکنون مدفون ناقة مشهور و زیارتگاه نزدیک و دور است.

[و از قبور علما و مجتهدین و مشایخ]:

الشیخ جمال الدین ابا محمد المکی و هو والد شیخنا الشهید الأوّل و کان من

و زیارت نمودم و بسیاری از حجاج را بر قبر شریف آن دلالت نمودم و قبر آن جناب در کوچه درازی است و معروف به (زقاق الطول) در یسار داخل دروازه مصری در خانه معروف به بیت ابی النبی و قبل از این مشهور به خانه نابغه بوده و قبر آن جناب واقع است در فوق دکه، در ضلعی میان دو دیوار خانه در صندوق کوچک پشت ماهی و در جوف آن ضریح از چوب کوچک نیز هست. (ص ۱۴۷)

۲۰) مشهد و مزار فاطمه بنت اسد، مادر امیرمؤمنان - علیها السلام - آن خاتون در بقیع صاحب گنبد است... و قبرش نزد قبور مطهر اولاد محترم خود، ائمه بقیع - علیهم السلام - واقع است. (صص ۱۵۱-۱۵۰)

۲۱) مزار فیض آثار عباس بن عبدالمطلب، قبرش در تحت قبّه ائمه اربعه می‌باشد. (ص ۱۵۲)

۲۲) و دیگر قبر صفیه عمّه رسول الله صاحب گنبد است. (ص ۱۵۳)

۲۳) رقیه بنت رسول الله قبرش در نزدیکی قبر جناب عثمان بن مظعون است. (ص ۱۶۰)

۲۴) سکینه خاتون بنت الحسین - ع - در مدینه وفات یافت و در بقیع مدفون

الإلتباس و لا يبقى للشيخ إلا افتروا لأجله كذباً و خلافاً فلما كان الفرار الى الله تعالى هو الأمان من كلّ مخوفٍ فرّ منه إلى بيت الله الحرام مع اهله و عياله و أبنائه و باع كلّ ما عندهم من الحلىّ و الغياص و سافر مع ضعف بنيته و نقاد قوته و كبر سنه فلما بلغ الى منزل هدية و هى عن المدينة بثلاث مراحل حتى توفى فيها - قدّس سرّه - في سنة ثلاث و أربعين و مائتين بعد الألف و عمره قرب من التسعين و ابيّضت فيه من الهرم الرأس و الحيّة و قد دفن في مدينة المشرفة في جوارئمه البقيع أو في تحت ميزاب مسجد رسول الله - ص - و قام بمراسم عزائه أكثر أهل الإسلام من الخاص و العام. قال بعض الأعراب في تاريخه: مادة تاريخ:

فزت بالفردوس فوزاً

«يا بن زين الدين احمد»

(ص ١٧٢ - ١٧١)

(٢٠) الحاج ملا صادق دارابجردي؛ عالمی بود عامل و فاضلی بود کامل، از هداهل زمان در ورع و تقوا، ثانی سلمان در سنهٔ یکهزار و دویست و نود و هشت به رحمت ایزدی پیوست و در قبرستان بقیع مدفون گشت - رحمة الله تعالى عليه - .

خواجه محمد پارسا؛ ولد محمد بن المحمود الحافظ البخاری. نسب شریف وی

تلامذة الشيخ الفاضل العلامة نجم الدين بن طومان تونی - قدّس سرّه - بالمدينة حين سفر الى الحجاز الشريف في سنة ثامن وعشرين و سبعمائة. و ايضاً من جملة دفين البقيع الشيخ الأمد الأوحّد الشيخ احمد بن الشيخ زين الدين بن الشيخ ابراهيم البحراني لم يعهد في هذه الأواخر مثله في المعرفة و الفهم و المكرمة و الحزم و الجودة و الكمة و الفصاحة و خلوص المحبّة و الوداد لاهل بيت رسول الامجاد بحيث يُرى عند بعض اهل الظاهر من علمائنا بالإفراط و الغلو. انه - قدّس سرّه - ورد بلاد العجم في أواسط عمره و كان اكثر مقامه فيها بدار العبادة يزد ثم انتقل الى اصفهان و توقف فيها برهة من الزمان و لما أراد ان يرجع الى أصله الذي كان في وصل الحسين - ع - و ورد ببلدة قرميسين و اقام بهامدة فارتحل منها الى أرض الحائر ليصرف فيها بقية عمره الطريف على التأليف و التصنيف و القيام بحق التكليف و كان له [ص ١٧٣] كتب جلييلة و في كلّ العلوم رسائل جميلة انه لما بلغ النفاق و الشقاق بينه و بين من خالفه من فضلاء العراق و لم يلتفتوا الى قوله و استكبروا استكباراً و ازدادوا عتوّاً و عناداً بل كتبوا على رؤساء البلدان انّ الشيخ أحمد اعتقاده كذا و كذا فشوشوا قلوب الناس و جعلوهم في

حال متوجه مدینه گردید. روز چهارشنبه بیست سیم ذی الحجة به مدینه رسید و پنجشنبه وفات یافت و در بقیع مدفون شد. (ص ۱۷۳)

به عبدالله بن جعفر طیار می‌رسد و از اعظم اصحاب خواجه بهاء‌الدین نقشبندی است. در ماه محرم سال هشتصد و بیست و دو عازم زیارت بیت الله گردید. بعد از اتمام مناسک به مرض صعب مبتلا شد و با آن

● پی‌نوشتها:

- ۱- امروزه اطراف حجرالأسود را نقره شفاف و سفیدی پوشانده‌اند، از این رو بر جلوه و زیبایی آن افزوده شده است.
 - ۲- جمع قزوین و مقصود اهالی قزوین است.
 - ۳- امروزه در میان شیعیان این اعتقاد وجود دارد که قبر حضرت آدم و نوح - علیهما السلام - در مجاورت قبر حضرت علی - ع - می‌باشد و در بخشی از زیارتنامه حضرت امیرالمؤمنین - ع - آمده است: «السَّلام علی ضحیعیک آدم و نوح».
 - ۴- دو ستون .
 - ۵- نودان .
 - ۶- در سال ۱۳۶۶ خورشیدی که به حج خانه خدا تشریف یافتیم، در مدینه با استاد حبیب محمود احمد دیداری داشتیم. او پیرمردی هشتاد و چند ساله بود که دوران بازنشستگی خود را در کاخی بسیار مجلل در یکی از خیابانهای منتصب از جنوب مسجد غمامه می‌گذراند. استاد حبیب مدت ۳۰ سال مدیر اداره اوقاف مدینه بوده است، مقامی که نظارت بر تمام موقوفات و مساجد و زیارتگاهها؛ از جمله مسجدالنبی - ص - در حیطة اداره او بود (البته بعدها اداره ویژه‌ای به نام اداره شؤون الحرمین الشریفین تأسیس گردید که نظارت بر مسجدالحرام و مسجدالنبی - ص - برعهده او گذاشته شد) از این رو آگاهیهای جالبی درباره وضعیت مسجدالنبی - ص - و تغییر و تحولات آن در اختیار داشت. در آن دیدار از او دو سؤال درباره وضعیت داخلی حجرة النبی - ص - یعنی جایگاهی که امروزه قبر پیامبر - ص - در آن قرار دارد، و درباره وضعیت بیت فاطمه - س - سؤال نمودم. او در پاسخ سؤال اول گفت:
- ما درباره چگونگی قرارگرفتن قبر پیامبر اطلاعاتی نداریم و نمی‌دانم آیا صورت قبر پیامبر بدین گونه است که قبر پیامبر در قبله قبر دو خلیفه قرار دارد و یا این که همگی در یک ردیف دفن شده‌اند و علت این ناآگاهی را این گونه بیان کرد که: از قرن‌ها پیشتر از زیرگنبد (= قبة الخضراء) تا اطراف سه قبر را دیواری قطور فراگرفته که راهی برای ورود به داخل محوطه ندارد. این دیوار از قسمت بالا نیز با سقفی، که در زیر محیط گنبد قرار دارد، پوشیده شده و در پجه‌های کوچک اطراف گنبد را نیز از داخل و خارج با سرب پوشانیده‌اند تا کسی نتواند داخل حجرة را نظاره کند؛ از این رو پرده سبزرنگی که معمولاً حاجیان آن را از میان پنجره فولادی ضریح پیامبر مشاهده می‌کنند چیزی نیست جز پرده زربافت و ابریشمی که در کارخانه‌ای در مکه بافته می‌شود و همه ساله بر روی دیوار حائل میان قبر و پنجره فولادین از زیرگنبد تا کف زمین نصب می‌شود. او گفت در دوران ریاست من بر اداره اوقاف دوبار قسمتهایی از دیوار که کمی فرسوده و ریزش داشت ترمیم گردید، البته ترمیمها بسیار جزئی و سطحی بود؛ زیرا دیوار بسیار ضخیم و قطور و از سنگهای لاشه که احتمالاً در میان آن سرب گذاخته و یا چیزی شبیه به آن قرار داده بودند، ساخته شده است.
- استاد حبیب محمود درباره سؤال دوم پاسخ داد: در سال ۱۳۷۲ ه. ق. دولت وقت عربستان اقدام به توسعه و ترمیم بخشهایی از مسجد نمود، اما توسعه مسجد در دو سمت شمال و غرب مسجد انجام گرفت و بدین خاطر صدها خانه و

ساختمان خریداری گردید و از طرف شمال مسجد پیامبر توسعه یافت و در سمت غرب نیز فضا و مصالحی بزرگی احداث گردید که بعدها با سقفهای پیش ساخته پوشیده و تا پیش از توسعه اخیر که توسط ملک فهید انجام پذیرفت، همواره ادامه صفهای نماز جماعت مسجد تا بدانجا می رسید. اما ترمیم مسجد شامل تقویت پی های گلدسته ها و گنبد و دیوارهای حجره پیامبر بود.

استاد حبیب گفت: ما برای تقویت پی گنبد و دیوارها و سقف حجره پیامبر و فاطمه سنگفرش کف حجره فاطمه را جمع آوری نموده و کناره دیوارها را برای تقویت پی آنها به مقدار ۵۰ سانتیمتر حفر نمودیم، در هنگام حفر و جمع آوری سنگفرش به علت اهمیت جا، خود ناظر کار کارگران بودم تا مبادا آسیبی به دیوارها برسد، البته کار به کندی پیش می رفت و فقط تعداد اندکی کارگر در داخل حجره به کار مشغول بودند و آنان با وسواس و دقت سنگفرشها را جمع کرده و تنها خاک را به بیرون حجره منتقل می کردند، هنگامی که کارگران در بخش جنوب غربی (بیت فاطمه) و در فاصله یک متری از راهرویی که خانه حضرت فاطمه - س - را به داخل حجره پیامبر وصل می کند مشغول کردن و بیرون آوردن خاک از پی های ستون و دیوار غربی خانه حضرت بودند در نیم متری عمق زمین به تعدادی از سنگهایی که به گونه منظمی چیده نشده بود برخورد نمودند. کارگران مرا صدا کردند و من پس از مشاهده وضعیت دستور خالی نمودن خاکهای اطراف آن ردیف، سنگها را دادم و در حضورم دو تن از کارگران با احتیاط کامل به این کار پرداختند و پس از مدتی خود را در برابر صورت قبری یافتیم که ادامه سنگهای اطراف آن تا عمق زمین ادامه داشت و تنها ما توانسته بودیم با خاک برداری لایه فوقانی آن قبر را نمایان کنیم، سنگهای این قسمت از سنگهای سیاه و زمختی بود که غالب قبور مدینه در بقیع با آنها پوشیده شده است (و از آن جمله قبور امامان معصوم - ع -). جهت قبر شرقی - غربی بود که در منتهی الیه سمت مغرب قطعه سنگ کوچکی در ابعاد ۳۰×۳۰ سانتیمتر قرار داشت و بر روی آن با خطی قدیمی این عبارت نوشته شده بود: «هذا قبر فاطمه بنت محمد - علیه السلام -» بنا به گفته حبیب محمود احمد موقعیت دقیق قبر را می توان این گونه به تصویر کشید که اگر ما تمام دیوار جنوبی و قسمتی از دیوار شرقی خانه پیامبر - ص - را حد جنوبی و شرقی (روضه) قرار دهیم، حد شمالی روضه عبارت از خطی فرضی و وهمی می باشد که از میان دیوار شرقی آغاز و پس از گذشتن از قبر حضرت زهرا - س - دیوار غربی خانه پیامبر را از میان ستونی که در شمال اسطوانة الوفود و باب التوبه قرار دارد، قطع نموده و داخل مسجد گردیده و تا پایان (حد روضه) ادامه می یابد و در حقیقت قبر حضرت فاطمه در زاویه التقاء دیوار غربی و دیوار فرضی شمالی روضه قرار دارد.

او گفت بعدها بنا به مصالحی به دستور مقامات، روی قبر پوشیده گردید و او تا کنون این مطلب را با کسی در میان نگذاشته است لیکن اکنون که روزهای بیانی عمر خود را می گذراند بسیار مایل بود این راز را برای کسی برای ثبت در تاریخ افشا کند. اینجانب تمام این مطالب را از میان دو لب او شنیده و بدون هیچ گونه کاستی برای ثبت در تاریخ به اطلاع خوانندگان می رسانم و روز بعد از این ملاقات خلاصه ای از آنچه از حبیب محمود شنیده بودم را برای حضرت استاد علامه حاج سید مهدی روحانی - سلمه الله تعالی - نقل کردم و به همراه ایشان پس از نماز ظهر مدتی را در اطراف (روضه) و (حجره النبی - ص -) برای تطبیق آنچه شنیده بودم به جستجو و تفحص پرداختیم، ایشان فرمودند: من نیز پیرو مطالعات و تحقیقات فراوان احتمال وجود قبر حضرت را در این منطقه ارجح از دیگر مناطق یافتیم.